



کاربست الگوی راهبردی دیپلماسی

فرهنگی در عصر دیجیتال:

مطالعه موردی مدیریت تصویر ملی در

تحریمها علیه جمهوری اسلامی ایران

محمدطاها قائمپناه^۱

چکیده

در دنیای پیچیده بحران‌های بین‌المللی، دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزاری کلیدی از قدرت نرم، ظرفیت‌های منحصربه‌فردی برای کاهش تنش‌ها، بازسازی اعتماد و تقویت ارتباطات میان‌فرهنگی ارائه می‌دهد. این پژوهش با هدف تبیین عملیاتی و ارزیابی تجربی نقش دیپلماسی فرهنگی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی در بستر دیجیتال، به مطالعه موردی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران (بعنوان موردکاوی اصلی) می‌پردازد. این مطالعه ابتدا یک مدل مفهومی تلفیقی (بر اساس قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی و دیجیتال) را تدوین کرده و سپس سازوکارهای آن (روایت‌سازی و اعتمادسازی) را در موردکاوی منتخب، تحلیل می‌نماید. داده‌ها با تمرکز بر این موردکاوی و با رویکرد ترکیبی کیفی-کمی، از طریق پیمایش ۷۸ کارشناس و ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته گردآوری و تحلیل شدند. تحلیل مضمون کیفی و ارزیابی کمی نشان می‌دهد دیپلماسی فرهنگی از طریق بازتعریف روایت‌ها (با میانگین تأثیر ۴.۲ از ۵ در پیمایش)، واسطه‌گری غیررسمی و نهادسازی ادراکی عمل کرده و ابزارهای دیجیتال آن را تقویت می‌کنند، اما چالش‌هایی مانند محدودیت‌های نهادی، نابرابری‌های فناورانه و سوءبرداشت‌های فرهنگی اثربخشی را کاهش می‌دهند. این مطالعه با ارائه مدل مفهومی کاربردی و شاخص‌های عملیاتی بحران محور، به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا ظرفیت‌های قدرت نرم کشور را در مواجهه با بحران‌ها ارتقا دهند و گفت‌وگوی میان‌فرهنگی را تسهیل نمایند.

• واژگان کلیدی

دیپلماسی فرهنگی، قدرت نرم، دیپلماسی دیجیتال، مدیریت بحران، تصویرسازی ملی.

۱. مقدمه

در چشم‌انداز در حال تحول نظم نوین جهانی، مرزهای سنتی میان سیاست و فرهنگ به شکل فزاینده‌ای درهم‌تنیده شده و این امر، دیپلماسی فرهنگی را به ابزاری کلیدی در مدیریت منازعات بین‌المللی بدل کرده است (Nye, 2005). بحران‌های معاصر که از درگیری‌های نظامی فراتر رفته و به لایه‌های هویتی و ارتباطی نفوذ کرده‌اند، بازاندیشی در ابزارهای مدیریت بحران را ضروری می‌سازند. گزارش‌های اخیر نیز این روند را تأیید می‌کنند؛ برای مثال، «بررسی اولویت‌های پیشگیرانه ۲۰۲۵» شورای روابط خارجی، ۳۰ درگیری بزرگ جهانی را شناسایی کرده که بسیاری از آنها ریشه در سوءبرداشت‌های فرهنگی و روایت‌های رسانه‌ای دارند (Council on Foreign Relations, 2025). به همین ترتیب، گزارش‌های «صلح جهانی ۲۰۲۵» و «روندهای درگیری ۲۰۲۴-۲۰۲۵» به ترتیب از ۵۹ و ۶۱ درگیری فعال خبر می‌دهند که بیشترین تعداد از پایان جنگ جهانی دوم بوده و بخش عمده‌ای از آنها با تنش‌های فرهنگی، هویتی و قومی مرتبط است (IEP, 2025; Peace Research Institute Oslo, 2025). این آمارها نیاز به رویکردهای نرم، مانند دیپلماسی فرهنگی را برای کاهش تنش‌ها مورد تأکید قرار می‌دهند. دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان جلوه‌ای از قدرت نرم، امکان ایجاد گفت‌وگو و تصویرسازی مثبت را از طریق ابزارهای فرهنگی، هنری و آموزشی فراهم می‌آورد. با این حال، علی‌رغم اهمیت روزافزون آن، ادبیات موجود کمتر به تحلیل نظام‌مند عملکرد این دیپلماسی در بسترهای بحرانی پرداخته و بیشتر بر شرایط عادی روابط بین‌الملل متمرکز بوده است. علاوه بر این، ارتباط دیپلماسی فرهنگی با ابزارهای نوین دیجیتال نیز اغلب به‌صورت پراکنده و بدون تمرکز بر سازوکارهای مدیریت بحران بررسی شده است.

پژوهش حاضر با شناسایی این شکاف تحلیلی، به بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی در عصر دیجیتال می‌پردازد و در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- دیپلماسی فرهنگی از طریق چه مکانیسم‌هایی می‌تواند در مدیریت بحران‌های بین‌المللی نقش‌آفرین باشد؟
- چه چالش‌ها و محدودیت‌هایی مانع اثربخشی دیپلماسی فرهنگی در بسترهای بحران است؟

– چه راهکارهایی برای ارتقای کارایی دیپلماسی فرهنگی با رویکردی چندلایه (سنتی – دیجیتال) در مدیریت منازعات قابل ارائه است؟

این مطالعه با بهره‌گیری از یک چارچوب نظری تلفیقی – شامل قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی دیجیتال – و با استفاده از روش‌شناسی ترکیبی و تحلیل موردکاوی عمیق، به تحلیل این پدیده می‌پردازد. هدف نهایی، توسعه و اعتبارسنجی یک مدلی مفهومی جدید است که کاربرد عملی آن در مطالعه موردی مدیریت تصویر ملی در بحران‌ها مورد بررسی قرار گرفته تا سیاست‌گذاران بتوانند ظرفیت‌های نرم کشور را در مواجهه با بحران‌ها ارتقا داده و گفت‌وگوی میان‌فرهنگی را تسهیل نمایند.

۲. پیشینه پژوهش

دیپلماسی فرهنگی در دو دهه اخیر از بحث نظری به تحلیل نقش آن در قدرت نرم و تصویر ملی گسترش یافته است (Nye, 2005; Melissen, 2005). اما پژوهش‌ها بیشتر بر شرایط عادی تمرکز داشته و به نقش آن در بحران‌ها، مقابله با ایران‌هراسی و فضای دیجیتال کمتر پرداخته‌اند (چوپانی نجف‌آبادی، ۱۴۰۱؛ Schneider, 2023; Bjola & Manor, 2024). این پژوهش با رویکرد بین‌رشته‌ای این خلأها را بررسی کرده و مطالعات پیشین را در سه دسته (مبانی نظری و چالش‌های نهادی، کارکردهای عمومی، کاربرد در بحران و فضای دیجیتال) در یک جدول ارائه می‌کند:

جدول شماره ۱۰. پیشینه پژوهش‌های مرتبط با دیپلماسی فرهنگی

بخش	پژوهشگر / منبع اصلی	سال	موضوع / عنوان اصلی پژوهش	یافته کلیدی / تمرکز اصلی	کاربرد در پژوهش حاضر
۱ مبانی نظری و چالش‌های نهادی	حسن بشیر	۱۴۰۳	دیپلماسی گفت‌مانی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات	دیپلماسی = وجه نرم سیاست برای شکل‌دهی هژمونیک فرهنگی	مبنای تحلیل بازتولید معنا و قدرت نمادین در فضاهای تعارضی
	قنبرلو	۱۴۰۰	دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران	ابزار قدرت نرم ایران؛ ناکامی به دلیل نبود راهبرد منسجم، ضعف بخش خصوصی، ناکارآمدی نهادی	چارچوب تحلیل موانع نهادی ایران در بحران و فناوری‌های نوین
	Patrick Wintour	۲۰۲۵	چرا بحران مالی در شورای بریتانیا اهمیت دارد؟	کاهش منابع مالی → تضعیف زیرساخت‌های دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم	تحلیل موانع مالی و نهادی در دوران بحران
	Nye	۲۰۰۴	چارچوب قدرت نرم	دیپلماسی فرهنگی = ابزار استراتژیک تعدیل بحران از طریق جذابیت فرهنگی-ارزشی	الهام از شاخص‌ها (جذابیت، مشروعیت، مشارکت مدنی) + بازتعریف با دیجیتال و غیردولتی برای پوشش شکاف‌ها
۲ کارکردهای عمومی و پیوندهای موضوعی دیپلماسی فرهنگی	معراجی و پالیزدار	۱۴۰۴	نقش دیپلماسی فرهنگی در توسعه دیپلماسی اقتصادی: تولیدات بصری ترکیه	تقویت تعاملات فرهنگی و جذب سرمایه از طریق بازنمایی هویت (سینما)	تحلیل اثرات غیرمستقیم بر تصویر ملی در شرایط تنش
	MacDonald & Murray	۲۰۲۴	قدرت نرم در نقطه عطف: تحلیل مقایسه‌ای ۱۸ کشور	ادغام دیپلماسی فرهنگی با سیاست خارجی، اقتصاد و هویت در بی‌ثباتی → اعتماد و گفت‌وگو	چارچوب تطبیقی برای تحلیل سیاست‌های فرهنگی در بحران‌های بین‌المللی
	British Council	۲۰۲۴	روابط فرهنگی، چندجانبه‌گرایی و توسعه پایدار	فرهنگ = ابزار همکاری در بحران‌های جهانی	تحلیل دیپلماسی فرهنگی در نسبت با اهداف توسعه پایدار

بررسی نمونه‌های خلاقانه در مواجهه با بحران‌ها	تمرکز بر نمادها (موسیقی، غذا، هنر، گردشگری) → بهبود تصویر بین‌المللی	چگونه تایلند قدرت نرم را بازتعریف می‌کند	۲۰۲۴	Chad de Guzman	
تبیین نقش نمادهای فرهنگی در دیپلماسی بحران	تحول دیپلماسی فرهنگی هند (یوگا، بالیود، آیورودا)	تکامل دیپلماسی قدرت نرم هند	۲۰۲۴	Sathvikaa Lakshmi	
پاسخ به شکاف مطالعاتی در مدیریت بحران دیجیتال	ابزار اثرگذار بر افکار عمومی در عصر دیجیتال؛ ظرفیت زبان هنری در شبکه‌ها	دیپلماسی فرهنگی؛ پیوند قدرت سیاسی و قدرت فرهنگی	۱۴۰۳	دهشیری	
تحلیل دیپلماسی فرهنگی به‌مثابه ابزار مدیریت بحران‌های منطقه‌ای	قدرت نرم چین در بهبود تصویر ملی تنش‌های ژئوپلیتیکی	دیپلماسی فرهنگی و تصویر چین در آسیای جنوب شرقی	۲۰۲۴	Xinyue Ma	۳ دیپلماسی فرهنگی در
پشتوانه نظری برای اهمیت دیپلماسی چندجانبه فرهنگی در بحران	چالش‌ها و فرصت‌ها در بحران‌های جهانی؛ تأکید بر همکاری چندجانبه	چگونه در دیپلماسی فرهنگی حرکت کنیم؟	۲۰۲۴	ASEF پروژه مشترک آسیایی-اروپایی	مدیریت بحران و فضای دیجیتال
تطبیق مدل مفهومی با چالش‌های دیجیتال در بحران‌های معاصر	روایت‌سازی دیجیتال بصری → برزینگ ملی، مقابله با روایت رقیب، امنیت حیثیتی در جنگ ۲۰۲۲	جنگ و تصاویر آن: روایت بصری حساب اینستاگرام اوکراین (Ukraine.ua)	۲۰۲۴	Ventura	

۱-۲. جمع‌بندی پیشینه پژوهش

بررسی نظام‌مند ادبیات پژوهشی در سه محور اصلی (مبانی نظری، کارکردهای عمومی، و مدیریت بحران/ فضای دیجیتال) نشان می‌دهد تمرکز غالب پژوهش‌ها بر شرایط غیربحرانی بوده است. با وجود پشتوانه نظری (قدرت نرم و دیپلماسی گفتمانی)، مطالعات موجود تنها به صورت پراکنده به بحران و ابزارهای دیجیتال پرداخته‌اند (دهشیری ۱۴۰۳، ونتورا ۲۰۲۴، وینتور ۲۰۲۵، لاکشمی ۲۰۲۴).

خلاً اصلی، نبود یک مدل تحلیلی تلفیقی است که هم‌زمان شالوده نظری، مدیریت بحران و ابزارهای دیجیتال را ترکیب کند. پژوهش‌های پیشین (زینیوما ۲۰۲۴، ASEF ۲۰۲۴، ونتورا ۲۰۲۴) نتوانسته‌اند مکانیسم‌های عملیاتی موفقیت/شکست دیپلماسی فرهنگی در مدیریت فعال بحران‌های بین‌المللی در بستر چندلایه دیجیتال را تبیین کنند و اغلب فاقد ادغام نظری-عملیاتی‌اند. پژوهش حاضر با ارائه مدلی تلفیقی و

نظام‌مند و مشخص کردن شاخص‌های عملیاتی و مسیرهای علی آن در جدول شماره ۴، می‌کوشد این خلأ را پوشش داده و ادبیات دیپلماسی فرهنگی بحران‌محور در عصر دیجیتال را توسعه دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از استراتژی مطالعه موردی چندگانه با یک موردکاوی کانونی بهره می‌گیرد (Yin, 2018). هدف اصلی، توسعه نظریه و اعتبارسنجی یک مدل مفهومی جدید در حوزه دیپلماسی فرهنگی بحران‌محور است، نه تعمیم آماری؛ بنابراین حجم نمونه بر اساس اصل اشباع نظری تعیین شد (Glaser & Strauss, 1967; Saunders et al., 2018).

موردکاوی محوری «مدیریت تصویر ملی جمهوری اسلامی ایران در بستر تحریم‌های بین‌المللی» به دلیل (الف) تداوم و شدت بحران، (ب) محدودیت کانال‌های دیپلماسی رسمی، و (ج) تنوع ابزارهای فرهنگی-دیجیتال، برای آزمون عمیق مدل انتخاب شد. سه مورد مقایسه‌ای دیگر (فرانسه-آلمان پساجنگ، ترکیه در بحران سوریه، و اوکراین در جنگ ۲۰۲۲ به بعد) صرفاً برای اعتبارسنجی مقایسه‌ای و افزایش اعتبار بیرونی به کار رفتند تا قابلیت تطبیق مدل در بحران‌های متفاوت (هویتی، منطقه‌ای و جنگ تمام‌عیار) نشان داده شود (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. اعتبارسنجی مقایسه‌ای مدل پیشنهادی در موارد مطالعاتی

موردکاوی	نوع بحران	سازوکار غالب مدل	سطح موفقیت/تطابق	منبع اصلی
ایران (کانونی)	تحریم اقتصادی- رسانه‌ای طولانی‌مدت	روایت‌سازی + واسطه‌گری غیررسمی	متوسط تا بالا / تطابق کامل	یافته‌های پژوهش
فرانسه-آلمان پساجنگ	بحران هویتی پس از جنگ جهانی دوم	نهادسازی ادراکی + اعتمادسازی بلندمدت	بسیار بالا / تطابق قوی	Nye, 2005
ترکیه در بحران سوریه	بحران پناهندگان و تصویر منطقه‌ای	روایت‌سازی دیجیتال + سریال‌ها	بالا / تطابق متوسط-قوی	معراجی و پالیزدار، ۱۴۰۴
اوکراین ۲۰۲۲-کنون	جنگ تمام‌عیار	روایت‌سازی بصری دیجیتال (اینستاگرام)	بسیار بالا / تطابق قوی	Ventura, 2025

منبع: مورد کانونی: یافته‌های پژوهشگر؛ موارد تطبیق (Ventura(2025) - Nye(2005) - معراجی و پالیزدار (۱۴۰۴)

- داده‌ها به منظور مثلث‌بندی سه‌گانه (data, methodological, and investigator triangulation) و افزایش اعتبار درونی پژوهش، از سه منبع اصلی گردآوری شدند:
- پیمایش تخصصی از ۷۸ کارشناس داخلی حوزه دیپلماسی فرهنگی و سیاست خارجی (نرخ پاسخ‌دهی ۸۴٪) با پرسش‌نامه ساخت‌یافته مبتنی بر طیف لیکرت ۵ درجه‌ای و چند پرسش باز (اشباع در پرسش ۷۲).
 - ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته تا رسیدن به اشباع نظری (آخرین کد جدید در مصاحبه ۱۳؛ مصاحبه‌های ۱۴ و ۱۵ صرفاً تأییدکننده بودند).
 - تحلیل اسناد رسمی (شامل سیاست‌نامه‌ها و بیانیه‌ها) و محتوای رسانه‌های دیجیتال (شامل پست‌ها و واحدهای محتوایی کمپین‌ها) (در مجموع بیش از ۴۵۰ واحد تحلیل در بازه ۱۳۹۸-۱۴۰۴).

تحلیل داده‌ها در دو سطح انجام شد:

- داده‌های کیفی: تحلیل مضمون سه‌مرحله‌ای (باز، محوری، انتخابی) با کدگذاری دستی و بازبینی مستمر توسط پژوهشگر و یک همکار مستقل (توافق بین‌کدگذار ۸۷٪ در مرحله باز).
- داده‌های کمی: داده‌های پیمایش تخصصی (۷۸ کارشناس) با هدف اعتبارسنجی و تأیید کمی مؤلفه‌های مدل مفهومی تحلیل شدند. ابتدا، آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) جهت تعیین اهمیت مؤلفه‌ها استفاده شد. سپس، از آزمون‌های آماری مناسب (مانند آزمون t تک‌نمونه‌ای و تحلیل همبستگی) برای بررسی ارتباط و جهت تأثیرگذاری مسیرهای علی بهره گرفته شد. این رویکرد، قابلیت آزمون‌پذیری و دقت یافته‌های کیفی را به صورت کمی تقویت نمود.

اعتبارسنجی و اطمینان‌پذیری پژوهش:

- مثلث‌بندی سه‌گانه (داده، روش و پژوهشگر)
- روش تطبیقی در چهار موردکاوی (نک. جدول شماره ۱)
- بازگرداندن یافته‌ها به ۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان برای تأیید
- مستندسازی دقیق زنجیره شواهد و فرایند کدگذاری
- بررسی و بازبینی کدگذاری توسط دو پژوهشگر همکار (توافق بین‌کدگذار ۸۷٪)

۴. چارچوب نظری

۴-۱. تعاریف مفهومی

مطالعات دیپلماسی فرهنگی با چالش فقدان چارچوب نظری منسجم برای تحلیل عملکرد آن در بحران‌های بین‌المللی مواجه‌اند. بسیاری از پژوهش‌ها به تعاریف کلی یا تمایز نادرست میان دیپلماسی فرهنگی، عمومی، اجتماعی و دیجیتال بسنده کرده‌اند (Cull, 2021; Grincheva, 2021). این ابهام مفهومی، بررسی‌ها را بیشتر جنبه تجویزی بخشیده است تا تحلیلی. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی تلفیقی، چارچوبی نظری طراحی می‌کند که ضمن تمایزگذاری مفهومی، عملکرد دیپلماسی فرهنگی را در بستر قدرت نرم و فناوری دیجیتال در شرایط بحرانی تحلیل‌پذیر می‌سازد. این چارچوب بر سلسله‌مراتب مفاهیم تأکید دارد: دیپلماسی عمومی به عنوان چتر کلی، دیپلماسی فرهنگی به عنوان زیرمجموعه فرهنگی آن، و دیپلماسی دیجیتال به عنوان توان‌افزای استراتژیک.

الف) دیپلماسی فرهنگی: از تعریف تا کارکرد بحران‌محور: برای شناخت مفهوم دیپلماسی فرهنگی ابتدا بایستی از دو مفهوم کلی‌تر یعنی «دیپلماسی» و «دیپلماسی عمومی» شناخت حاصل کرد. دیپلماسی، ابزار سیاست خارجی در کاربست قدرت نرم و بومی‌سازی آن است که در دگرگونی نظم نوین جهانی ضرورتی انکارناپذیر است (احمدی و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۱۳). دیپلماسی عمومی، که در سال ۱۹۶۵ توسط ادmond گیلین^۱ در وزارت خارجه آمریکا ابداع شد تا از واژه «پروپاگاندا» پرهیز شود، به اشکال مختلف مناسبات برقرارشده بین حکومت‌ها و مردمان کشورهای خارجی اشاره دارد (قنبرلو، ۱۴۰۰: ۱۵۰). این مفهوم چتر کلی برای انواع دیپلماسی غیررسمی است و دیپلماسی فرهنگی ذیل آن قرار می‌گیرد.

دیپلماسی فرهنگی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های هدفمند، ساختاری و متداوم است برای انتقال ارزش‌ها، هنر، روایت‌ها و نمادهای فرهنگی یک اجتماع یا ملت، در راستای ارتقای درک متقابل^۲، تصویر ملی^۳ و ایجاد سرمایه اجتماعی فراملی (Schneider, 2023). این مفهوم، که دولت‌محور است اما با مشارکت بازیگران غیردولتی (مانند سازمان‌های مردم‌نهاد و هنرمندان) تقویت می‌شود، فارغ از ابزارهایی مانند تبلیغات یا پروپاگاندا، تأکید بر تعامل دوسویه، جذابیت

^۱. Edmund Gullion

^۲. Promote mutual understanding

^۳. National image

غیرتحمیلی و مشارکت از پایین به بالا دارد (Cull, 2021). این تعریف پرهیز از خلط با پروپاگاندا می‌کند و حدود آن را به تعاملات فرهنگی محدود می‌سازد و حدود آن را به تعاملات فرهنگی محدود می‌سازد، تا از ابهام مفهومی پرهیز شود.

در همین راستا، بالادهی و روشن (۱۴۰۳) تأکید می‌کنند: «دیپلماسی فرهنگی از قدرت تأثیرگذاری بر افکار عمومی برخوردار است و آثار آن ماندگارتر است چرا که به نحوی فرهنگ‌ها و احساسات مردم را برای تأثیرگذاری مورد هدف قرار می‌دهد. این نوع تأثیرگذاری نیز بیشتر به وسیله فناوری‌های جدید قابل تحقق است» (بالادهی و روشن، ۱۴۰۳: ۵۶). این دیدگاه نشان می‌دهد که دیپلماسی فرهنگی، به عنوان زیرمجموعه دیپلماسی عمومی، تئوری بین‌المللی‌سازی^۱ است (دهشیری، ۱۴۰۳: ۶).

در شرایط بحرانی که ارتباطات رسمی مختل می‌شوند، دیپلماسی فرهنگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. نظریه جدید «امنیت حیثیتی»^۲ (Cull, 2024) نشان می‌دهد کشورهای با محبوبیت و اعتبار بین‌المللی بالا، آسان‌تر هویت و تصویر ملی خود را بازسازی کرده و تعاملات غیررسمی ایجاد می‌کنند، در حالی که کشورهای فاقد این اعتبار با پیامدهای منفی مواجه می‌شوند. بنابراین، دیپلماسی فرهنگی در بحران نه تنها ابزار جذابیت فرهنگی، بلکه عامل محافظتی برای حیثیت، تصویر و مشروعیت ملی است. در پژوهش حاضر، این مفهوم به عنوان «ابزار میانجی‌گر» در مدیریت بحران‌های بین‌المللی با منشأ فرهنگی-ادراکی (مانند سوءبرداشت‌ها، کلیشه‌ها و روایت‌های رسانه‌ای) بررسی می‌شود؛ ابزاری که بر پایه «بنیاد هنجاری-فرهنگی» (جنبه ارزشی و مفهومی) عمل کرده و بنیاد هنجاری را به عنوان زیربنای نظری و کاربرد عملی در بحران‌ها قرار می‌دهد.

ب) دیپلماسی فرهنگی در چارچوب نظریه ارتباطات بحران: اثربخشی دیپلماسی فرهنگی در مدیریت بحران بر مبنای "نظریه اسنادی" قابل تبیین است (Coombs, 2019) چراکه واکنش افکار عمومی تابع علتی است که به بحران نسبت می‌دهند (اسناددهی). در شرایطی که انتساب تقصیر یا سوءنیت به بازیگر موجب تشدید بحران می‌شود، دیپلماسی فرهنگی و دیجیتال به عنوان ابزاری استراتژیک جهت تعدیل اسناددهی‌های منفی و بازسازی تصویر کنشگر عمل می‌کنند. هدف اصلی این است که اسناددهی را از عوامل «درونی و عمدی»

¹ Internationalization

² reputational security

(مانند خصومت سیاسی) به عوامل «برونی، سوء تفاهم‌های فرهنگی^۱، یا عوامل ساختاری» تغییر دهند. تعاملات فرهنگی و شبکه‌سازی‌ها در بحران، بستر را برای پذیرش روایت‌های مثبت و انسانی‌تر فراهم کرده و از این طریق، تصویر بازیگر را در اذهان عمومی بین‌المللی بازسازی می‌کنند و در نهایت، به مدیریت ادراکی^۲ بحران کمک می‌نمایند.

ج) تمایز مفهومی دیپلماسی فرهنگی با دیپلماسی عمومی، اجتماعی و دیجیتال: به‌منظور تبیین دقیق جایگاه و کارکرد دیپلماسی فرهنگی و پرهیز از خلط مفاهیم که یکی از چالش‌های رایج در ادبیات داخلی است، ضروری است تمایزات مفهومی کلیدی آن با مفاهیم مجاور، نظیر دیپلماسی عمومی، اجتماعی و دیجیتال، مورد تشریح و تفکیک قرار گیرد. جدول شماره ۳ به مقایسه این مفاهیم و نشان دادن ویژگی‌های متمایز هر یک می‌پردازد، با تأکید بر سلسله‌مراتب: دیپلماسی عمومی چتر کلی است، و فرهنگی/ دیجیتال/ اجتماعی زیرمجموعه یا مکمل آن هستند.

جدول شماره ۳. نسبت دیپلماسی فرهنگی با مفاهیم مجاور

منبع داده	رابطه با دیپلماسی عمومی	ویژگی‌های متمایز	مخاطب هدف	تمرکز اصلی	مفهوم
Cull (2021); Melissen (2005); Nye (2004)	چتر کلی	نهادمحور، راهبردی، دولت‌محور	افکار عمومی خارجی (با بازتاب داخلی)	روایت‌سازی رسمی سیاست خارجی	دیپلماسی عمومی
Cull (2021); Grincheva (2021); Schneider (2023)	زیرمجموعه، تمرکز مدنی	غیردولتی، افقی، مشارکتی	سازمان‌های جامعه مدنی (محلی، ملی و فراملی)	مشارکت جامعه مدنی در تعاملات	دیپلماسی اجتماعی
Bjola & Manor (2024); Ventura (2025); Melissen (2005)	توان‌افزا برای دیپلماسی عمومی	مبتنی بر پلتفرم‌های دیجیتال و منطق شبکه‌ای	شهروندان شبکه‌ای	استفاده از فناوری برای تعامل جهانی	دیپلماسی دیجیتال

¹ Cultural misunderstandings

² Cognitive management

Cull (2021); Grincheva (2021); Nye (2004); پژوهش حاضر (چارچوب مفهومی)	زیرمجموعه، تمرکز فرهنگی	دوسویه، دولت محور با مشارکت غیردولتی، میان فرهنگی	نخبگان، نسل جوان، ملت‌ها	تبادل ارزش‌ها برای اعتمادسازی	دیپلماسی فرهنگی
-----------------------------------------------------------------------	----------------------------	---------------------------------------------------------------	-----------------------------	-------------------------------------	--------------------

منبع: تدوین پژوهشگر بر اساس مرور ادبیات و چارچوب مفهومی (Cull,2021; Grincheva,2021).

دیپلماسی فرهنگی در این پژوهش، هم‌راستا با دیپلماسی دیجیتال تحلیل می‌شود، اما از آن به‌عنوان «بنیاد هنجاری- فرهنگی» با کارکرد میانجی‌گر در شرایط تنش یاد می‌شود، جایی که دیجیتال نقش توان‌افزای استراتژیک برای فرهنگی ایفا می‌کند (پوشش تمایز و سلسله‌مراتب).

ه) دیپلماسی دیجیتال: توان‌افزای فرهنگی در بحران‌ها: همان‌طور که بیولا و مانور در کتاب راهنمای دیپلماسی دیجیتال آکسفورد (۲۰۲۴) مطرح می‌کنند، دیپلماسی دیجیتال را می‌توان بعد تکامل‌یافته دیپلماسی فرهنگی (ذیل دیپلماسی عمومی) دانست که با استفاده از ابزارهای نوین، امکان شکل‌دهی به روایت‌ها و تأثیرگذاری بر افکار عمومی را به‌ویژه در شرایط بحرانی فراهم می‌آورد (Bjola & Manor, 2024). روایت‌ها و تصاویر دیجیتال می‌توانند چارچوب ادراکی بحران را تغییر دهند و از این‌رو ابزار کلیدی در دیپلماسی بحران محور هستند (وحیدی، ۱۳۹۹). در این پژوهش، دیپلماسی دیجیتال نه به‌عنوان حوزه‌ای مستقل، بلکه در نقش توان‌افزای استراتژیک^۱ برای تقویت اثربخشی دیپلماسی فرهنگی تعریف شده است. این تعریف حدود دیجیتال را به تقویت فرهنگی محدود می‌کند، نه حوزه مستقل، تا از خلط با دیپلماسی عمومی پرهیز شود.

۴-۲. سازوکارهای دیپلماسی فرهنگی در مدیریت بحران

سازوکارهای زیر، ابزارهای کلیدی عملیاتی‌سازی قدرت نرم و نظریه‌سازهانگاری در مدیریت ادراکی بحران‌ها از طریق دیپلماسی فرهنگی هستند:

^۱. Strategic empowerment

– روایت‌سازی مثبت و ضد کلیشه^۱

اساسی‌ترین سازوکار دیپلماسی فرهنگی است که با هدف مهندسی معنا و جایگزینی کلیشه‌های منفی با تصاویر همسانی فرهنگی، انسانیت مشترک و صلح‌طلبی عمل می‌کند (ریشه در سازه‌انگاری^۲). در بستر بحران، دیپلماسی دیجیتال این فرایند را تسریع و غیرمتمرکز می‌کند و امکان انتشار روایت‌های «مردم به مردم» با اعتبار بالاتر نسبت به روایت‌های رسمی را فراهم می‌سازد (Nye,2004).

– اعتمادسازی بین فرهنگی^۳

فرایندی بلندمدت که از طریق ایجاد فضاهای مشترک فرهنگی (رویدادهای هنری، تبادل آموزشی و علمی) فاصله ادراکی میان جوامع را کاهش می‌دهد. این مکانیسم بر مؤلفه «سرمایه اجتماعی» قدرت نرم متکی است و در بحران‌ها به‌عنوان ذخیره اعتبار عمل می‌کند؛ پیوندهای پیش‌ساخته در دوران صلح، تأثیرگذاری سیاسی را در زمان تنش تسهیل می‌نماید (Melissen,2005).

– واسطه‌گری و تعامل غیررسمی^۴

بهره‌گیری استراتژیک از بازیگران غیردولتی (سازمان‌های مردم‌نهاد، هنرمندان، دانشگاهیان، ورزشکاران) به‌عنوان واسطه‌های قابل اعتماد در شرایط قطع یا محدودیت شدید روابط رسمی. این کانال‌ها به‌دلیل بار سیاسی کمتر، مقاومت کمتری ایجاد کرده و باورپذیری بالاتری دارند و نقش «حائل ارتباطی»^۵ را در کاهش تنش‌های مستقیم ایفا می‌کنند (Schneider,2023).

– شبکه‌سازی نخبگان فرهنگی و مدنی^۶

شبکه‌سازی به ایجاد و مدیریت شبکه‌های پایدار از حامیان فرهنگی و علمی در جامعه هدف اشاره دارد و بر تداوم اثرگذاری بلندمدت تمرکز می‌کند. در شرایط بحران، این شبکه‌ها می‌توانند نقش لابی‌گری، تولید محتوای بومی و توزیع روایت‌های رسمی را ایفا کرده و به‌ویژه

1. Positive Narrative-Building

2. constructivism

3. Intercultural Trust-Building

4. Informal Mediation and Engagement

5. Communication Buffer

6. Cultural and Civil Elite Networking

در مواجهه با تحریم‌های اطلاعاتی به‌عنوان کانال توزیع جایگزین عمل کنند (MacDonald & Murray, 2024). این فرایند با نوعی نهادسازی ادراکی، فهم متقابل پایدار را تقویت می‌کند.

۳-۴. مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش

مدل مفهومی این پژوهش بر "سه‌گانه استراتژیک" قدرت نرم (مینا)، دیپلماسی فرهنگی (ابزار) و دیپلماسی دیجیتال (توان‌افزا) در ذیل چتر دیپلماسی عمومی استوار است. این چارچوب با عبور از تعاریف انتزاعی، بر استخراج سازوکارهای عملیاتی^۱ و تحلیل موقعیت‌مند بحران‌ها تمرکز دارد. هدف بنیادین مدل، مدیریت منازعات ادراکی و ارتقای تاب‌آوری نرم^۲ از طریق فرآیندهای علی نظیر "روایت‌سازی" و "تغییر جهت‌اسناددهی" (از درونی به بیرونی) است تا بستری ارزیابی‌پذیر برای کاهش تنش‌های بین‌المللی فراهم سازد. در ادامه، اجزای اصلی مدل به همراه مسیرهای علی میان آن‌ها ترسیم شده است.

نمودار شماره ۱. مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش



منبع: یافته‌های پژوهشگر

1. Operational mechanisms

2. Resilience

۴-۳-۱. کاربرد مدل در سطح سیاست‌گذاری کلان

مدل مفهومی پیشنهادی این پژوهش، علاوه بر ارزش نظری، قابلیت بالایی برای کاربردی در سطوح راهبردی و سیاست‌گذاری عمومی فرهنگی دارد. از منظر کلان، این مدل می‌تواند در سه سطح به کار گرفته شود:

الف) سطح سیاست‌گذاری فرهنگی-بین‌المللی: نهادهای دیپلماسی فرهنگی مانند سازمان‌های فرهنگی دولتی، وزارت خارجه، صداوسیما یا خانه‌های فرهنگ می‌توانند از این مدل برای طراحی راهبردهای تعاملات فرهنگی^۱ در شرایط بحران، تحریم یا تخصیص رسانه‌ای استفاده کنند. در سطح تعاملات منطقه‌ای، نهادهایی چون سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی جهان اسلام^۲ می‌توانند نقش واسطه‌ای مؤثری در گسترش دیپلماسی فرهنگی میان کشورهای اسلامی ایفا کنند، به‌ویژه در شرایطی که روابط دوجانبه رسمی با چالش مواجه است. از طریق شناسایی سازوکارهای مؤثر مانند روایت‌سازی و شبکه‌سازی فرهنگی، امکان طراحی سیاست‌های هدفمند برای مداخله غیرمستقیم در بحران‌ها فراهم می‌شود. این سیاست‌ها می‌توانند بر اساس شاخص‌های جدول شماره ۳ (مانند تحلیل محتوای رسانه‌ها برای روایت‌سازی) ارزیابی شوند.

ب) سطح طراحی برنامه‌های عملیاتی دیجیتال-فرهنگی: با بهره‌گیری از عناصر مدل، می‌توان بسته‌هایی برای ارتباطات دیجیتال هدفمند، طراحی محتوا، برنامه‌های تبدیلی یا کمپین‌های فرهنگی با مخاطبان خارجی طراحی کرد. این مدل به‌ویژه در تنظیم روابط با کشورهای تحریم‌گر، منازعات هویتی^۳ یا روایت‌سازی‌های منفی علیه یک کشور قابل کاربرد است.

ج) سطح سنجش و ارزیابی اثربخشی دیپلماسی فرهنگی: مدل ارائه‌شده، متغیرهای قابل‌سنجش و مسیرهای علی مشخصی دارد (مانند تعاملات، تصویرسازی، اعتمادسازی) که می‌توان از آن برای تدوین شاخص‌ها و طراحی ابزارهای ارزیابی سیاست‌های فرهنگی در محیط‌های ناپایدار استفاده کرد. این شاخص‌ها (جدول شماره ۴) مسیرهای علی مدل را قابل‌سنجش می‌کنند، مانند رابطه بین ورودی (روایت‌سازی) و خروجی (کاهش تنش).

۴-۳-۲. نوآوری نظری و کاربردی مدل مفهومی

نوآوری این مدل در سنتز نظری قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی و دیجیتال با رویکرد سازه‌انگاری (Wendt, 1999) و نظریه اسناددهی (Coombs, 2019) نهفته است. این چارچوب

¹. Cultural Interaction Strategies

². ISESCO

³. Identity conflicts

برخلاف الگوهای کلاسیک (Nye,2004; Melissen,2005) و رویکردهای تخصصی ۲۰۲۵ - اعم از مدل‌های سیاسی (Gibson & Felicia,2025)، زیست‌محیطی (Lee,2025) و روایت‌گری دیجیتال (Ventura,2025; CCCD,2025) - بر سازوکارهای علی‌آزمون‌پذیر در مدیریت بحران تمرکز دارد. هدف اصلی، پر کردن شکاف ادبیات پژوهش در زمینه مدیریت ادراکی و تغییر مسیرهای اسناددهی (مانند تعدیل اسناددهی → روایت‌سازی) در بحران‌های عصر دیجیتال است که در قالب مدل عملیاتی (جدول ۴) ارائه شده است. این قابلیت آزمون‌پذیری را تضمین می‌کند.

مدل حاضر در مقایسه با آثار پیشین دارای چند نوآوری کلیدی است:

الف) ادغام سه‌گانه نظری: برخلاف بسیاری از پژوهش‌ها که به طور جداگانه به قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی یا دیجیتال پرداخته‌اند، این مدل با تلفیق سه مؤلفه، نگاهی کل‌گرایانه و چندلایه به دیپلماسی فرهنگی در بحران دارد.

ب) تمرکز ویژه بر شرایط بحرانی و منازعه: بیشتر مدل‌های موجود در ادبیات، ناظر به شرایط عادی یا سیاست‌های فرهنگی بلندمدت‌اند؛ اما مدل حاضر با تمرکز بر شرایط خاص بحران، تحریم، و بی‌ثباتی، ظرفیت خاصی برای مدیریت منازعه نرم فراهم کرده است.

ج) قابلیت تبدیل به ابزار عملیاتی: با شناسایی سازوکارهای میانجی (اعتمادسازی، روایت‌سازی، تعاملات غیررسمی، شبکه‌سازی) و تعیین ورودی‌ها و خروجی‌های قابل‌تحلیل، این مدل فراتر از توصیف مفهومی، به سطح ابزاری و قابل‌سنجش ارتقا یافته است و با جدول شماره ۴، سازوکارهای علی‌آزمون‌پذیری را برای آزمون تجربی فراهم می‌کند.

جدول شماره ۴. شاخص‌های عملیاتی مدل مفهومی دیپلماسی فرهنگی در شرایط بحران

مؤلفه مدل مفهومی	تعریف عملیاتی	شاخص‌های سنجش‌پذیر	روش گردآوری داده / منبع	مسیر علی (خروجی → ورودی)
قدرت نرم ملی	جذابیت ادراکی یک کشور نزد ملت‌های دیگر	تصویر مثبت رسانه‌ای - مشروعیت سیاسی ادراک‌شده - محبوبیت فرهنگی	تحلیل محتوای رسانه‌ها - پرسش‌نامه ادراکی مصاحبه	کاهش تنش ادراکی و بازسازی اعتماد → جذابیت فرهنگی
زیرساخت دیجیتال فرهنگی	ظرفیت یک کشور در تولید و توزیع محتوای فرهنگی دیجیتال	-دسترسی به شبکه‌ها - توان تولید محتوای بومی - سواد رسانه‌ای فرهنگی	آمارهای ملی - تحلیل پلتفرم‌ها - مصاحبه با نخبگان دیجیتال	تقویت روایت‌سازی و اعتمادسازی بین‌فرهنگی → تولید محتوا دیجیتال
دیپلماسی	مجموعه اقدامات	-حضور فعال نهادهای	اسناد رسمی -	بازسازی تصویر ملی و

فرهنگی بحران محور	هدفمند فرهنگی در بستر بحران	فرهنگی در زمان بحران - تبادلات هنری- آموزشی بحران محور - ارسال پیام‌های همدلی	تحلیل عملکردی سازمان‌ها - مطالعه موردی	مدیریت ادراکی بحران → اقدامات فرهنگی بحران محور
دیپلماسی دیجیتال	بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال در تعاملات فرهنگی برون مرزی	- استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای گفت‌وگوی فرهنگی - تولید روایت جایگزین در بحران - کمپین‌های عمومی دیجیتال	رصد شبکه‌های اجتماعی - تحلیل گفتمان دیجیتال	تغییر چارچوب ادراکی بحران و افزایش تاب‌آوری نرم → تعاملات دیجیتال
روایت‌سازی مثبت و ضد کلیشه	تولید و باز نشر روایت‌های جایگزین درباره فرهنگ و سیاست	- میزان تولید روایت‌های بدیل - دامنه باز نشر پیام‌ها - نوع واکنش مخاطب	تحلیل محتوای دیجیتال - واکنش سنجی مخاطب	تعدیل اسناددهی منفی و کاهش سوء برداشت‌های فرهنگی → روایت‌سازی جایگزین
اعتمادسازی بین فرهنگی	ایجاد درک و پیوند میان فرهنگی با ملت‌های دیگر	- شاخص اعتماد مخاطب - همکاری فرهنگی فراملی - کاهش کلیشه‌های منفی	پرسش‌نامه ادراکی مطالعات میدانی	افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش تنش‌های هویتی → پیوندهای میان فرهنگی
تعاملات غیررسمی چندسطحی	تبادلات فرهنگی فراتر از دولت (مردم-نخبگان- سازمان‌ها)	- برنامه‌های تبادل علمی، فرهنگی - تعاملات دانشگاهی یا شهری - پروژه‌های مشترک	بررسی برنامه‌های رسمی و مردمی - مطالعه میدانی	واسطه‌گری در بحران و تقویت گفت‌وگوی فرهنگی → تعاملات غیررسمی
شبکه‌سازی نخبگان فرهنگی و مدنی	اتصال بازیگران غیردولتی برای تسهیل گفت‌وگو	تعداد مشارکت‌کنندگان در شبکه‌ها - سطح ارتباطات فراملی پایدار - تنوع بازیگران	مصاحبه با نخبگان - نقشه‌برداری شبکه‌ها	نهادسازی ادراکی و افزایش تاب‌آوری در مواجهه با بحران‌ها → شبکه‌سازی پایدار
خروجی نهایی: کاهش تنش و افزایش تاب‌آوری نرم	توانایی تأثیرگذاری غیرمستقیم بر فضای بحران	تغییر در لحن رسانه‌های خارجی - افزایش گفت‌وگوهای فرهنگی - کاهش واکنش‌های خصمانه	تحلیل روند بحران‌ها - مصاحبه تخصصی	کاهش تنش ادراکی و تاب‌آوری نرم بلندمدت → سازوکارهای میانجی (روایت‌سازی + اعتمادسازی)

منبع: استخراج و عملیاتی‌سازی پژوهشگر بر پایه ادبیات نظری و داده‌های کیفی پژوهش.

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

این پژوهش با اتکا به روش‌شناسی ترکیبی، یافته‌ها را در دو سطح تجربی (داده‌های میدانی و رسانه‌ای) و نظری (سنتز ادبیات و مطالعات موردی) تحلیل کرده است. این رویکردِ دولایه، امکان اعتباربخشی به مدل مفهومی و سنجش کارکرد دیپلماسی فرهنگی در بحران‌های ژئوپلیتیکی را فراهم می‌آورد که نتایج آن در چهار محور تبیین می‌شود:

- سازوکارهای کلیدی دیپلماسی فرهنگی در مدیریت بحران‌ها
- تحلیل کمی مؤلفه‌های تأثیرگذار از منظر پاسخ‌دهندگان
- کاربرست و تحلیل تجربی مدل در موردکاو‌های محوری
- شناسایی چالش‌ها و محدودیت‌های ساختاری

ابتدا در جداول شماره ۵ و ۶ خلاصه‌ای از مؤلفه‌های تحلیلی پژوهش شامل یافته‌های میدانی و مطالعات پیشین ارائه خواهد شد. در بخش ۲ نیز، مؤلفه‌های داده‌محور جدول صرفاً از منظر تجربی و آماری به‌صورت جداگانه تحلیل خواهند شد.

جدول شماره ۵. یافته‌های حاصل از داده‌های میدانی

منبع داده	درصد ارزیابی مثبت	میانگین (از ۵)	شاخص اندازه‌گیری	مؤلفه تحلیلی
تحلیل مصاحبه و پرسش‌نامه	٪۸۵	۴.۲	کاهش سوءبرداشت از طریق پیام‌های فرهنگی	روایت‌سازی فرهنگی مثبت
تحلیل پاسخ‌های تخصصی	٪۸۲	۴.۱	تأثیر شبکه‌های اجتماعی در ترویج گفتمان سازنده	اثربخشی دیپلماسی دیجیتال
مشاهده و تحلیل محتوا	٪۸۰	۴.۰	تعامل کاربران با محتوای فرهنگی در بحران	مشارکت مدنی در برنامه‌های آنلاین
تحلیل کیفی مصاحبه‌ها	٪۵۸	۵.۳	مقاومت فرهنگی در برابر پیام‌های بین فرهنگی	چالش‌های فرهنگی - ادراکی
داده‌های جمع‌آوری شده	٪۴۶	۳.۲	محدودیت منابع و حمایت سازمانی	موانع نهادی و ساختاری

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول شماره ۶. یافته‌های برگرفته از مطالعات پیشین

منبع	نتیجه کلیدی	مورد مطالعاتی یا مرجع پژوهشی	مؤلفه کلیدی
معراجی و پالیزدار (۱۴۰۴)	تصویرسازی مثبت فرهنگی و کاهش فشار روانی منطقه‌ای	کاربرد فرهنگی ترکیه در دوران بحران سوریه	روایت‌سازی بحران محور
Lakshmi (2024)	ایجاد تعامل فرهنگی فرامرزی بدون واسطه رسمی	دیپلماسی عمومی در دوران پاندمی کرونا	استفاده از شبکه‌های اجتماعی
Nye (2005)	شکل‌گیری انسجام سیاسی بر پایه تعامل فرهنگی مداوم	روابط فرانسه و آلمان پس از جنگ جهانی دوم	تعاملات چندفرهنگی
Gierat-Bierón (2023)	برداشت‌های متضاد فرهنگی و سوءتفاهم‌های رسانه‌ای	دیپلماسی آمریکا در شرق آسیا	چالش‌های فرهنگی - ادراکی
Snow & Cull(2020)	عدم هماهنگی بین نهادهای فرهنگی و دیپلماتیک	کشورهای جنوب جهانی در مواجهه با تحریم‌ها	ضعف نهادهای پشتیبان

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۱-۵. سازوکارهای کلیدی دیپلماسی فرهنگی در مدیریت بحران‌ها

تحلیل داده‌های میدانی و اسنادی نشان می‌دهد که دیپلماسی فرهنگی در بافت بحران‌های بین‌المللی، از طریق سه سازوکار کلیدی عمل می‌کند: بازتعریف روایت، واسطه‌گری غیررسمی و نهادسازی ادراکی. این تحلیل مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۵ نفر از خبرگان داخلی در حوزه دیپلماسی فرهنگی و رسانه بین‌الملل، و نیز مشاهده ساختاریافته و تحلیل محتوای رسانه‌ای در بحران‌های منتخب انجام شده است. این سه‌گانه که در مدل مفهومی پژوهش نیز لحاظ شده‌اند، در تعامل با ظرفیت‌های دیجیتال، می‌توانند به‌عنوان اهرم‌هایی مؤثر در کاهش مخاصمات و اصلاح ادراکات بین‌المللی عمل کنند.

- نخست، بازتعریف روایت به‌عنوان نقطه ورود دیپلماسی فرهنگی در فضای بحران عمل می‌کند. داده‌های تجربی حاصل از بررسی کمپین‌های فرهنگی دیجیتال ایران، ترکیه و قطر در مواجهه با جنگ‌های نیابتی یا تحریم‌ها، نشان می‌دهد که روایت‌سازی مجدد از واقعیت می‌تواند تصویر عمومی را از بازیگر بحران‌زده، از «تهدید» به «قربانی» یا «فرصت» منتقل کند (Lakshmi, 2024؛ معراجی و پالیزدار، ۱۴۰۴). این روایات اغلب با استفاده از زبان فرهنگی،

نمادهای هویتی، و چارچوب‌های احساسی، جایگزین زبان خشک سیاسی می‌شوند و از ظرفیت همدلی بین فرهنگی بهره می‌برند.

- دوم، واسطه‌گری^۱ غیررسمی از طریق نهادهای غیردولتی، نخبگان فرهنگی، هنرمندان و کنشگران جامعه مدنی انجام می‌شود. در اغلب موارد، این کنشگران به واسطه سرمایه فرهنگی و ارتباطات بین‌المللی خود قادرند وارد فضاهایی شوند که دیپلماسی رسمی از آن‌ها طرد شده است. نمونه آن را می‌توان در فعالیت‌های فرهنگی برون‌مرزی مراکز فرهنگی کشورها، شبکه فرهنگی یونسکو و حتی کمپین‌های مدنی ایران در حوزه محیط‌زیست و صلح دید که در دوره‌های انزوای سیاسی، امکان تداوم تعامل فرهنگی را فراهم کرده‌اند (Holoborodko, 2025؛ قنبرلو، ۱۴۰۰).

- سوم، نهادسازی ادراکی^۲، به معنای ایجاد و تثبیت چارچوب‌های ادراکی بلندمدت است که به بازیگران اجازه می‌دهد درک منسجم‌تری از بحران و طرف مقابل پیدا کنند. این فرایند به‌ویژه در شرایط مزمن بحران، اهمیت می‌یابد؛ جایی که دیپلماسی رسمی فروکاسته شده و تنها راه تعامل، بازسازی اعتماد از طریق زبان مشترک فرهنگی است. مطالعه موردی روابط پساجنگ فرانسه و آلمان نشان داد که پایداری برنامه‌های تبادل فرهنگی و آموزشی، نقش زیربنایی در شکل‌گیری درک مشترک و اتحاد سیاسی در دهه‌های بعدی ایفا کرد (Nye, 2005؛ Lixinski & Zhu, 2024). در مجموع، یافته‌ها حاکی از آن‌اند که دیپلماسی فرهنگی نه به‌عنوان ابزار جانبی، بلکه به‌عنوان یک مداخله‌گر ادراکی ساختارمند در مدیریت بحران قابل تحلیل است. این سازوکارها، در تعامل با فناوری دیجیتال، می‌توانند به تولید معنا، احیای ارتباط و بازسازی چارچوب‌های بین فرهنگی در فضای متأثر از بحران کمک کنند، مشروط بر آنکه از سطح نمادین به سطح راهبردی ارتقا یابند.

۵-۲. تحلیل کمی مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی در مدیریت بحران‌ها

همان‌گونه که در جدول ۴ منعکس شده، مؤلفه‌های کلیدی مدل مفهومی پژوهش از طریق پیمایش تخصصی سنجیده شدند. در ادامه، به تحلیل دقیق‌تر هر یک از این مؤلفه‌ها باتکیه بر داده‌های کمی گردآوری شده پرداخته می‌شود. به‌منظور ارزیابی تجربی مؤلفه‌های کلیدی مدل مفهومی پژوهش، از داده‌های حاصل از پیمایش تخصصی با مشارکت ۷۸ نفر از کارشناسان داخلی در حوزه دیپلماسی فرهنگی، ارتباطات بین‌الملل و مطالعات رسانه‌ای بهره‌گیری شد.

1. mediation

2. Perceptual institutionalization

پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای و با محوریت پنج مؤلفه تحلیلی کدگذاری و تحلیل شدند. نتایج به‌روشنی نشان می‌دهد که هر یک از مؤلفه‌ها در سطوح متفاوتی از تأثیرگذاری ادراک شده‌اند و می‌توانند مبنایی برای طراحی راهبردهای عملیاتی در شرایط بحران فراهم آورند. - نخست، روایت‌سازی فرهنگی مثبت بالاترین میانگین تأثیر را با امتیاز ۴.۲ از ۵ کسب کرد. ۸۵٪ مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که ارائه روایت‌های انسانی و فرهنگی، به‌ویژه در بسترهای چندرسانه‌ای، نقش مؤثری در کاهش سوءبرداشت‌ها و کنترل بحران‌های ادراکی ایفا می‌کند. این یافته با بخش نظری پژوهش و تحلیل موردی «کمپین‌های هنری ضد تحریم» در سطح بین‌الملل همخوانی دارد (Lakshmi, 2024؛ معراجی و پالیزدار، ۱۴۰۳).

- دوم، دیپلماسی دیجیتال تعاملی با میانگین ۴.۱، از منظر پاسخ‌دهندگان ابزاری انعطاف‌پذیر و نسبتاً موفق در عبور از محدودیت‌های دیپلماسی سنتی ارزیابی شد. شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌های فرامرزی و پلتفرم‌های فرهنگی دیجیتال، به‌ویژه در دوران انسداد دیپلماتیک یا پاندمی کرونا، زمینه‌ساز ارتباطات میان فرهنگی مستقیم و کم‌هزینه بوده‌اند (Wintour, 2025)، به‌ویژه، در شرایط انسداد دیپلماسی رسمی، شبکه‌های اجتماعی با فراهم‌سازی بستر ارتباطی سریع و دوسویه، نقش واسطی میان روایت‌های فرهنگی و افکار عمومی جهانی ایفا کرده‌اند (کوهی نصرآبادی و واحد، ۱۳۹۹).

- سوم، مشارکت مدنی در برنامه‌های فرهنگی آنلاین با امتیاز ۴.۰، بازتاب‌دهنده ظرفیت شهروندان برای نقش‌آفرینی در دیپلماسی فرهنگی فراتر از چارچوب دولت‌محور است. حضور فزاینده کاربران در کمپین‌های فرهنگی، جشنواره‌های مجازی و گفت‌وگوهای میان‌تمدنی، شاخصی از تحول در الگوی کنش دیپلماتیک تلقی می‌شود.

در مقابل، دو مؤلفه دیگر یعنی چالش‌های فرهنگی - ادراکی (میانگین ۳.۵) و موانع نهادی و مالی (میانگین ۳.۲)، به‌عنوان موانع ساختاری و ادراکی شناسایی شدند. حدود ۴۶٪ از پاسخ‌دهندگان ضعف در هماهنگی نهادی، ناکارآمدی سازوکارهای پشتیبانی و کمبود منابع مالی را مانعی جدی در مسیر اثربخشی دیپلماسی فرهنگی تلقی کردند، این یافته با چالش‌های مطرح شده در ادبیات جهانی دیپلماسی فرهنگی مبنی بر تضعیف زیرساخت‌ها در دوران بحران (Snow & Cull, 2020) همسو است. همچنین نیمی از مشارکت‌کنندگان این مطالعه بر این باور بودند که پیام‌های فرهنگی در برخی موارد با سوءبرداشت یا مقاومت فرهنگی مواجه می‌شوند،

موضوعی که "گرینچوا (Grincheva, 2021)" نیز آن را ناشی از فقدان رمزگشایی بومی در بسترهای دیجیتال می‌داند.

در جمع‌بندی، داده‌های کمی این بخش نه تنها کارآمدی نسبی مؤلفه‌های مدل مفهومی پژوهش را تأیید می‌کند، بلکه نقاط ضعف بالقوه را نیز برای بهینه‌سازی راهبردهای دیپلماسی فرهنگی در محیط‌های پرتنش نمایان می‌سازد. ترکیب این نتایج با یافته‌های کیفی، بنیانی برای تحلیل تطبیقی و ارزیابی کاربردپذیری مدل پیشنهادی در ادامه پژوهش فراهم می‌سازد.

۳-۵. کاربست و تحلیل تجربی مدل در موردکاوی‌های محوری

تحلیل در این بخش بر کاربست تجربی مدل متمرکز است و برای ارزیابی ظرفیت عملیاتی سازوکارهای آن، از سطح نظری به تحلیل عمیق موردکاوی‌ها گذر می‌کند. این تحلیل به ارزیابی عملیاتی سازوکارهای مدل مفهومی پژوهش در چهارچوب بحران‌ها یاری می‌رساند.

۳-۵-۱. تحلیل موردکاوی جمهوری اسلامی ایران: کاربست دوگانه مدل در شرایط تحریم‌های چندلایه: تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۸ به بعد) نمونه‌ای پیچیده از بحران چندبعدی (اقتصادی، رسانه‌ای، هویتی) است که در آن گفتمان رسمی انقلابی و ایدئولوژیک همزمان نقش منبع قدرت نرم (جذابیت برای جبهه مقاومت و کشورهای مستضعف) و مانع اعتمادسازی در جبهه استکبار را ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که دیپلماسی فرهنگی ایران در این بستر به صورت دوگانه عمل کرده است:

الف) تأیید سازوکار «بازتعریف روایت‌ها» با داده‌های کمی و کیفی
این فرآیند با کسب بالاترین میانگین تأثیر (۴.۲ از ۵) در پیمایش خبرگان، بر انتقال ثقل روایت‌ها از «سیاست» به «فرهنگ و انسان‌محوری» تمرکز دارد. نمونه‌های عملیاتی آن شامل جشنواره‌های بین‌المللی و کمپین‌های دیجیتال است که با هدف خنثی‌سازی ایران‌هراسی دنبال شده‌اند (چوپانی نجف‌آبادی، ۱۴۰۱؛ قنبرلو، ۱۴۰۰؛ رحمانی تیرکلاهی، ۱۴۰۲).

ب) ظرفیت و محدودیت‌های «واسطه‌گری غیررسمی و نهادسازی ادراکی» نقش‌آفرینی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کنار هماهنگی‌های استراتژیک وزارت امور خارجه، علی‌رغم محدودیت‌های شدید نهادی، موفق به اعزام رایزنان فرهنگی به بیش از ۸۰ کشور شده و شبکه‌های غیردولتی (انجمن‌های دوستی، هنرمندان مستقل، فعالان محیط‌زیست) کانال‌های موازی موفق‌تری ایجاد کرده‌اند (گزارش سالانه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۴۰۲؛ زارع و سجادی‌پور، ۱۴۰۳: ۱۱۴؛ تیرکلایی، ۱۴۰۲: ۵۸). این اقدامات در کشورهای جبهه مقاومت و همسو (ونزوئلا، لبنان، آفریقای جنوبی و...) به بازسازی نسبی تصویر منجر شده است. اما در کشورهای غربی و برخی کشورهای عربی، جهت‌گیری ایدئولوژیک گفتمان رسمی و فشارهای لابی‌گری ضدایرانی اثرگذاری این واسطه‌گری را به شدت کاهش داده است. این امر نیازمند تقویت بیشتر نقش وزارت امور خارجه در هماهنگی مقابله با کمپین‌های لابی‌گری و تعیین خطوط قرمز دیپلماسی عمومی است. در چارچوب همین فشارهای بیرونی، بودجه رسمی (U.S. Agency for Global Media (USAGM) به‌عنوان دستگاه رسمی پخش رسانه‌ای بین‌المللی آمریکا، در سال مالی ۲۰۲۴ مبلغی حدود ۸۶۶/۹۱۴/۰۰۰ دلار تخصیص نهایی یافته است (U.S. Agency for Global Media, 2024). این سطح از بودجه، ظرفیت عملیاتی قابل‌توجهی برای تولید محتوا، تهاجم روایتی و تأثیرگذاری رسانه‌ای در جوامع هدف فراهم می‌آورد.

همزمان، تصویب (Intelligence Authorization Act for FY2026) S.2342 نشان‌دهنده تخصیص بودجه و مجوز رسمی برای «فعالیت‌های اطلاعاتی و مرتبط» علیه کشورهای هدف - از جمله ایران - است (U.S. Congress, 2025). این ترکیب بودجه رسانه‌ای گسترده و اختیارات اطلاعاتی قانونی، وقتی با فعالیت‌های رسمی و غیررسمی لابی / اطلاع‌رسانی علیه ایران همراه شود، نمایانگر ظرفیت بالقوه برای کمپین‌های رسانه‌ای / اطلاعاتی گسترده علیه ایران است، حتی اگر هیچ سندی وجود نداشته باشد که صراحتاً «ایران‌هراسی فرهنگی» را هدف گرفته باشد (U.S. Agency for Global Media, 2023; OpenSecrets, 2024).

جدول ۷. داده‌های بودجه‌ای و ثبت‌شده مرتبط با فعالیت‌های رسانه‌ای-لابی ضدایران

۱ (FY2024-FY2026)

دستگاه / منبع	ردیف / برنامه / بند	مبلغ / وضعیت	توضیح / نکته	ارجاع / منبع
USAGM (کل)	FY 2024 (کل بودجه)	≈ 882,000,000 دلار	کل اعتبار رسانه جهانی ایالات متحده برای تولید محتوا و عملیات ادراکی خارجی	(GovInfo, 2024)
USAGM → سرویس فارسی (Radio Farda)	جدول بودجه سرویس فارسی (CBI 2024)	~ 1,872,000 دلار	هزینه اختصاصی برای رسانه فارسی‌زبان در ساختار USAGM	(USAGM, 2023)
سامانه FARA / OpenSecrets	«Government Spending – Iran 2024»	279,771 دلار	هزینه ثبت‌شده رسمی مرتبط با ایران (دولت و گروه‌های لابی مشخص)	(OpenSecrets, 2024)
لابی/سازمان غیردولتی (نمونه)	ثبت لابی مرتبط با ایران (۲۰۲۴)	(نمونه) ~ 159,131 دلار	نمونه ثبت فعالیت لابی مرتبط با ایران در کنگره و FARA	(OpenSecrets, 2024)
قانون/لایحه اطلاعاتی آمریکا	S.2342 — Intelligence Authorization Act FY2026	مصوب؛ (ارقام بودجه در جدول طبقه‌بندی شده منتشر نشده است)	فراهم‌کننده ساختار قانونی برای عملیات ادراکی-اطلاعاتی احتمالی علیه ایران	(U.S. Congress, 2025)

منبع: اسناد رسمی و پایگاه‌های ثبت داده: U.S. USAGM(2023)- OpenSecrets(2024) - GovInfo(2024) - Congress(2025).

۱. ارقام بودجه‌ای و ثبت‌شده صرفاً نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه ساختاری و مالی برای تولید و انتشار محتوا، عملیات اطلاعاتی و فعالیت‌های رسانه‌ای علیه ایران هستند و به‌خودی‌خود به معنای وقوع «ایران‌هراسی فرهنگی» نمی‌باشند. با این حال، ترکیب این داده‌ها با مجوزهای قانونی مندرج در S.2342 (FY2026) امکان تحلیل و مستندسازی پتانسیل این ظرفیت را برای برنامه‌ریزی‌ها و ارزیابی‌های سیاست خارجی و رسانه‌ای فراهم می‌آورد.

۵-۳-۲. جمع‌بندی موردکاوی ایران: دیپلماسی فرهنگی ایران در شرایط تحریم نه صرفاً «کاهش‌دهنده تنش»، بلکه به‌صورت دوگانه عمل کرده است: در کشورهای همسو (مانند ونزوئلا، لبنان، سوریه، نیکاراگوئه، آفریقای جنوبی و برخی کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین): هویت‌ساز مقاومت، تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی فراملی و اعتمادساز موفق (میانگین تأثیر ۴.۳ در پیمایش). در کشورهای جبهه استکبار و حامیان رژیم صهیونیستی (ایالات متحده، رژیم صهیونیستی، برخی کشورهای اروپایی و برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس): گاهی تشدیدکننده سوءبرداشت و اسناددهی منفی به دلیل تسلط گفتمان ایدئولوژیک «استکبارستیزی» و «محور مقاومت» (۴۶٪ کارشناسان این اثر معکوس را تأیید کردند). مدل پیشنهادی با افزودن متغیر میانجی «جهت‌گیری گفتمانی» (انسان‌گرایانه در برابر ایدئولوژیک-مقاومتی) و «مخاطب هدف» (جبهه مقاومت در برابر جبهه استکبار) این دوگانگی را به‌صورت نظام‌مند توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد موفقیت دیپلماسی فرهنگی ایران در بحران به شدت وابسته به تفکیک استراتژیک این دو حوزه مخاطب است.

۵-۳-۳. تطبیق مقایسه‌ای و اعتبارسنجی مدل در موارد بین‌المللی: برای تحلیل تطبیقی و ارزیابی قابلیت تعمیم‌پذیری نسبی مدل، سه مورد مطالعاتی بین‌المللی (روابط فرهنگی فرانسه-آلمان پساجنگ، دیپلماسی فرهنگی ترکیه در بحران سوریه، و روایت‌سازی دیجیتال اوکراین در جنگ ۲۰۲۲ به بعد) علاوه بر مورد کانونی ایران، انتخاب و بررسی شدند. معیار انتخاب این موارد، تنوع جغرافیایی، ماهیت بحران (هویت‌پساجنگی، منطقه‌ای، و جنگ تمام‌عیار) و نوع ابزارهای فرهنگی فعال بوده است (برای جزئیات اعتبارسنجی مقایسه‌ای، نک. جدول شماره ۲). تحلیل تطبیقی چهار مورد نشان می‌دهد که دیپلماسی فرهنگی در بحران تنها زمانی اثربخش است که از سطح «واکنش نمادین»^۱ (اقدامات واکنشی کوتاه‌مدت بدون پیوست نهادی و روایت پایدار) به سطح «کنش راهبردی»^۲ (مداخله برنامه‌مند، مستمر و هماهنگ) ارتقا یابد. موفق‌ترین موارد دارای چهار ویژگی مشترک‌اند: ۱. استمرار برنامه‌ها در زمان ۲. تعامل هم‌افزای نهادهای رسمی و مدنی ۳. بهره‌گیری مؤثر از ابزارهای دیجیتال و رسانه‌ای ۴. تداوم روایت واحد و معنادار.

1. symbolic reaction

2. Strategic action

این الگوهای مشترک، قابلیت تعمیم‌پذیری تحلیلی مدل پیشنهادی را تأیید می‌کنند (Yin, 2018). برای ارائه تصویری نظام‌مند از کاربست مدل در موردکاوی ایران، جدول شماره ۸ تطبیق سازوکارهای مدل با مصادیق عملی و یافته‌های تجربی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸. تطبیق سازوکارهای مدل دیپلماسی فرهنگی با مصادیق عملی و یافته‌های تجربی در موردکاوی تحریم‌های ایران

سازوکار مدل (برگرفته از مدل مفهومی)	مصادیق‌های عملی دیپلماسی فرهنگی ایران در زمان تحریم‌ها	تأیید از داده‌های تجربی پژوهش (کیفی و کمی)
بازتعریف روایت‌ها (Narrative Redefinition)	راه‌اندازی کمپین‌های هنری و جشنواره‌های فرهنگی در فضای دیجیتال (مانند فیلم فجر)، تمرکز بر روایت‌های تمدنی و هنری.	تأیید کمی: بالاترین میانگین تأثیر در پیمایش (M=4.2)؛ تأیید کیفی: کدهای محوری "تغییر فوکوس از سیاست به فرهنگ" و "مقابله با کلیشه‌های رسانه‌ای" در مصاحبه‌ها.
واسطه‌گری رسمی و غیررسمی (Official- Unofficial Mediation)	فعالیت نهادهای غیردولتی، سازمان فرهنگ و ارتباطات و انجمن‌های دوستی در حوزه‌های منطقه‌ای و شرقی.	تأیید اسنادی: گزارش سازمان فرهنگ و ارتباطات (۱۴۰۲) مبنی بر اعزام رایزنان به بیش از ۸۰ کشور؛ تأیید کیفی: کدهای "فعال‌سازی جامعه مدنی" در تحلیل مضمون.
نهادسازی ادراکی (Perceptual Institution-Building)	حفظ و توسعه برنامه‌های آموزش زبان فارسی به دانشجویان خارجی، حفظ ارتباط با نهادهای چندجانبه (مانند یونسکو).	تأیید کیفی: یافته‌های مبنی بر "حفظ ساختارهای ارتباطی بلندمدت" و "سرمایه‌گذاری بر قدرت نرم" (تیرکلایی، ۱۴۰۲).

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌گونه که جدول شماره ۸ نشان می‌دهد، سازوکارهای مدل پیشنهادی در موردکاوی ایران نه به صورت توصیفی، بلکه با شواهد کمی، کیفی و اسنادی اعتبارسنجی شده‌اند.

۳-۴-۵. چالش‌ها و محدودیت‌های دیپلماسی فرهنگی در شرایط بحران: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی فرهنگی، علی‌رغم ظرفیت‌های بالقوه در محیط‌های

بحرانی، با چالش‌های چندبُعدی مواجه است که کارایی آن را در مدیریت تنش‌ها و بازسازی روابط بین‌المللی محدود می‌سازند. این چالش‌ها را می‌توان در سه سطح عمده دسته‌بندی کرد:

الف) چالش‌های ادراکی و فرهنگی: یکی از مهم‌ترین موانع شناسایی شده، وجود برداشت‌های متضاد یا حتی خصمانه نسبت به پیام‌های فرهنگی صادرشده از سوی کنشگران بحران‌زده است. در فضای بین‌المللی، دیپلماسی فرهنگی همواره با ریسک تعبیر به ابزار تبلیغاتی یا «پروپاگاندا» مواجه است؛ به‌ویژه زمانی که از سوی بازیگران غیردموکراتیک یا در شرایط تنش سیاسی شدید ارائه می‌شود (MacDonald & Murray, 2024). داده‌های میدانی نیز نشان می‌دهد که بخشی از مخاطبان بین‌المللی، پیام‌های فرهنگی صادرشده در دوران بحران را «هدف‌دار»، «جهت‌دار» یا «غیراصیل» تلقی می‌کنند. این امر موجب کاهش اعتماد و ناکارآمدی در انتقال معنا می‌گردد.

ب) محدودیت‌های نهادی و ساختاری: عدم وجود سازوکارهای نهادی تعریف‌شده برای هم‌افزایی میان نهادهای فرهنگی، رسانه‌ای و دیپلماتیک، مانع بنیادین اثربخشی دیپلماسی فرهنگی است. در بسیاری از موارد، استفاده از ابزارهای فرهنگی عمدتاً به‌صورت واکنشی، نمادین یا مقطعی باقی می‌ماند، بدون آنکه سازوکارهای پایدار برای انسجام، ارزیابی و توسعه مستمر آن‌ها طراحی شود (Snow & Cull, 2020). علاوه بر این بی‌ثباتی سازمانی ناشی از تغییرات مکرر مدیریتی، کمبود ظرفیت تخصصی مورد نیاز برای تلفیق رشته‌ها در ساختارها، عدم کفایت بودجه تخصصی و نیز فشارهای سیاسی قدرت‌های بزرگ و تحریم‌های ثانویه، مانع از شکل‌گیری و اجرای راهبردهای بلندمدت و بحران‌محور فرهنگی می‌شود.

ج) نابرابری‌های فناورانه و موانع دسترسی دیجیتال: در شرایطی که ابزارهای دیجیتال نقشی فزاینده در دیپلماسی فرهنگی ایفا می‌کنند، شکاف دیجیتال میان کشورهای شمال و جنوب، و همچنین میان اقشار مختلف جامعه، به مانعی جدی برای اثربخشی این نوع دیپلماسی بدل شده است. در کشورهای درگیر بحران یا تحت تحریم، دسترسی به پلتفرم‌های بین‌المللی، پهنای باند کافی، و امنیت اطلاعات فرهنگی با چالش‌های فنی و حقوقی مواجه است (Wintour, 2025; Lakshmi, 2024). این مسئله، همراه با جنگ روایت‌های سازمان‌یافته توسط قدرت‌های بزرگ، به محدود شدن مخاطب هدف و کاهش قدرت نفوذ پیام‌های فرهنگی در فضای جهانی منجر می‌شود.

اثر بخشی دیپلماسی فرهنگی در بحران‌ها نیازمند گذار از رویکردهای نمادین به سیاست‌گذاری یکپارچه، فناورمحور و مخاطب‌محور است تا به ابزاری راهبردی در مدیریت بحران و بازسازی روابط بین‌الملل تبدیل شود.

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف تبیین و اعتبارسنجی عملیاتی سازوکارهای اثربخش دیپلماسی فرهنگی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی در عصر دیجیتال، موفق به ارائه و اعتبارسنجی یک مدل مفهومی تلفیقی شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی فرهنگی در مواجهه با تحولات جهانی و پیچیدگی‌های دیجیتال، ظرفیت بالایی برای بازطراحی سیاست‌های کشورها دارد. این نتیجه با تأکید گزارش‌های بین‌المللی بر نقش محوری فرهنگ همخوانی دارد؛ به‌عنوان مثال، گزارش یونسکو در *Global Report on Cultural Policies 2025*، بر نقش کلیدی روایت‌سازی رسانه‌ای در کاهش تنش‌های هویتی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که ۹۳٪ کشورهای عضو، فرهنگ را در برنامه‌های توسعه پایدار خود گنجانده‌اند.

سهم کاربردی اصلی پژوهش در رفع تناقض میان ظرفیت‌های نرم‌افزاری و موانع ساختاری-نهادی تعریف شده است. یافته‌ها ضمن تأیید ظرفیت‌های بالقوه دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزاری از قدرت نرم در تعدیل منازعات، چالش‌های مفهومی، نهادی و فناورانه پیش‌روی کاربست آن را نیز آشکار ساخته و راه‌حل‌های عملیاتی برای رفع آن‌ها ارائه کرده‌اند. این بخش به جمع‌بندی یافته‌ها، تبیین سهم نظری و کاربردی پژوهش و ارائه پیشنهادهایی برای مطالعات آتی می‌پردازد.

۶-۱. یافته‌های کلیدی

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی فرهنگی در مواجهه با بحران‌های بین‌المللی، فراتر از یک ابزار نمادین، از طریق سه سازوکار اصلی عمل می‌کند: الف) بازتعریف روایی: این سازوکار، با بهره‌گیری از زبان فرهنگی و نمادهای هویتی، قادر است ادراک عمومی از بازیگران بحران‌زده را از «تهدید» به «قربانی» یا «فرصت» تغییر دهد. داده‌های

کمی نیز با میانگین ۴.۲ از ۵ و ۰.۸۵٪ ارزیابی مثبت، بر اهمیت بالای این مؤلفه تأکید دارند و این سازوکار در تحلیل موردی تحریم‌های ایران نیز بیشترین اهمیت عملیاتی را نشان داد. (ب) واسطه‌گری غیررسمی: از طریق نهادهای غیردولتی، نخبگان فرهنگی و کنشگران جامعه مدنی، دیپلماسی فرهنگی فضاهایی برای تعامل فراهم می‌آورد که دیپلماسی رسمی از آن‌ها طرد شده است. مشارکت مدنی در برنامه‌های آنلاین با میانگین ۴.۰، این ظرفیت را تأیید می‌کند. (ج) نهادسازی ادراکی: این فرایند به ایجاد و تثبیت چارچوب‌های ادراکی بلندمدت کمک می‌کند که درک منسجم‌تری از بحران و طرف مقابل ایجاد می‌کند و به‌ویژه در شرایط مزمن بحران اهمیت می‌یابد.

همچنین، دیپلماسی دیجیتال (با میانگین ۴/۱) به‌عنوان توان‌افزایی استراتژیک برای تقویت اثربخشی دیپلماسی فرهنگی در بحران‌ها شناسایی شد که امکان گسترش دامنه تأثیر فرهنگی و شکل‌دهی به روایت‌های جایگزین را فراهم می‌آورد. با این حال، چالش‌های ادراکی و فرهنگی (میانگین ۳/۵) و موانع نهادی و مالی (میانگین ۳/۲) به‌عنوان محدودیت‌های جدی در مسیر کارایی این نوع دیپلماسی برجسته شدند.

۲-۶. یافته‌های نظری

این پژوهش یک چارچوب تحلیلی نوین با تلفیق سه مفهوم «قدرت نرم»، «دیپلماسی فرهنگی» و «دیپلماسی دیجیتال» ارائه داد. در این چارچوب، برای جلوگیری از خلط مفاهیم، تمایز دقیقی بین انواع دیپلماسی (فرهنگی، عمومی، اجتماعی و دیجیتال) ایجاد شده است. دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان «بنیاد هنجاری - فرهنگی» و دیپلماسی دیجیتال به‌عنوان «توان‌افزای راهبردی» آن تعریف گردید. از نظر روش‌شناختی، این تحقیق از رویکرد کیفی - تفسیری و مطالعه موردی چندگانه با تأکید بر تحلیل عمیق موردکاوی کانونی (تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران) بهره برد تا پدیده‌های پیچیده در بستر بحران را به‌صورت عمیق و زمینه‌مند تحلیل و قابلیت کاربست عملی مدل را ارزیابی کند. این روش‌شناسی، به‌جای تعمیم‌پذیری آماری، بر غنای تحلیل زمینه‌مند و اشباع نظری تأکید کرد. اعتبار داده‌ها از طریق تنوع منابع (اسناد، مصاحبه با خبرگان و مشاهده) و فرایند کدگذاری سه‌مرحله‌ای تضمین شد.

در نهایت، این پژوهش ضمن ارائه مدل مفهومی پیشنهادی، با تعریف عملیاتی مؤلفه‌ها و ارائه شاخص‌های سنجش‌پذیر (جدول ۴)، از سطح توصیفی فراتر رفته و قابلیت تبدیل به ابزاری عملیاتی و قابل‌ارزیابی را داراست.

۳-۶. پیشنهادهای کاربردی

مدل مفهومی ارائه‌شده، با ادغام قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی و دیجیتال و افزودن نظریه اسناددهی بحران، بستری نظری-کاربردی برای تحلیل و مداخله در بحران‌های بین‌المللی فراهم کرده است. تمایزهای کلیدی این مدل نسبت به چارچوب‌های پیشین در جدول شماره ۹ خلاصه شده است:

جدول شماره ۹. جدول تمایز مدل پیشنهادی پژوهش با مدل‌های پیشین

ویژگی تمایز	مدل پیشنهادی پژوهش	مدل‌های پیشین (Nye 2004, Melissen 2005, Chitty 2025, etc.)
ادغام نظری	تلفیق قدرت نرم + دیپلماسی فرهنگی + دیجیتال + اسناددهی بحران (Coombs, 2019)	تمرکز جداگانه یا دوگانه، بدون ادغام اسناددهی بحران
تمرکز زمانی	ویژه شرایط بحران، تحریم و بی‌ثباتی	عمدتاً شرایط عادی یا بلندمدت
قابلیت عملیاتی	سازوکارهای میانجی + مسیرهای علی + شاخص‌های قابل‌سنجش (جدول شماره ۳)	بیشتر توصیفی و مفهومی
نوآوری	افزودن متغیر میانجی «جهت‌گیری گفتمانی» و «مخاطب هدف» برای توضیح دوگانگی عملکرد	فاقد توضیح دوگانگی عملکرد در بحران‌های ایدئولوژیک

منبع: یافته‌های پژوهشگر

منابع و مأخذ

فارسی:

احمدی، سید جواد، خداوردی، حسن و کشیشیان سیرکی، گارینه. (۱۴۰۳). دیاسپورا: مؤلفه و ابزار دیپلماسی فرهنگی. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۲۱(۱)، ۳۱۱-۳۲۹. doi: 10.22034/isj.2024.405598.2036

بشیر، حسن. (۱۴۰۳). دیپلماسی گفتمانی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات. *پژوهشنامه دیپلماسی فرهنگی*. doi: https://doi.org/10.22034/cdrj.2024.461814.1004

- پالیزدار، فرهاد و معراجی، ابراهیم. (۱۴۰۴). نقش دیپلماسی فرهنگی در توسعه دیپلماسی اقتصادی: مطالعه موردی تولیدات بصری ترکیه. *پژوهشنامه دیپلماسی فرهنگی*. <https://doi.org/10.22034/cdrj.2025.501069.1038>.
- چوپانی نجف آبادی، حمید. (۱۴۰۱). دیپلماسی فرهنگی و مقابله با پروژه ایران هراسی در منطقه خاورمیانه. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳۶(۲)، ۲۷-۴۶.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۴۰۳). دیپلماسی فرهنگی پیوند قدرت سیاسی و قدرت فرهنگی. *پژوهشنامه دیپلماسی فرهنگی*. <https://doi.org/10.22034/cdrj.2024.196964>.
- رحمانی تیرکلایی، ح. (۱۴۰۲). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مثابه قدرت نرم. *مطالعات قدرت نرم*، ۱۳(۳۴).
- زارع، علی و سجادیپور، سید محمدکاظم. (۱۴۰۳). نوز، بستری مشترک برای دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه. *فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۳(۱۲۸)، ۱۱۳-۱۳۴.
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی. (۱۴۰۲). گزارش سالانه فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی. تهران: انتشارات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- سهرابی، حامد و قاسمی پیربلوطی، محمدمبین. (۱۴۰۳). بررسی بخش دوم لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور (۲۰): بخش فرهنگ و هنر. (e20439). ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۱(۳۲). <https://doi.org/10.22034/report.mrc.2025.1403.32.11.20439>.
- صالحی بالاتبار، عالمه و گل تبار روشن، مهدی میرزا. (۱۴۰۳). نقش دیپلماسی فرهنگی بر توسعه گردشگری در ایران. *شایاک*. ۱۰(۱۱۶ پی‌پی)، ۵۵-۶۴.
- قنبرلو، عبدالله. (۱۴۰۰). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران. *مطالعات راهبردی*، ۲۴(۳) ۹۳ (پی‌پی)، ۱۴۹-۱۷۹. <https://sid.ir/paper/1008860/fa>. SID.
- کوهی نصرآبادی، م.، و واحد، ن. (۱۳۹۹). دیپلماسی رسانه‌ای و نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی. *فصلنامه دانش تفسیر سیاسی*، ۲(۶)، ۲۸-۱.
- وحیدی، موسی‌الرضا. (۱۳۹۹). نقش تصاویر و روایت‌های داستانی در دیپلماسی عمومی دیجیتال. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳۴(۲)، ۳۹-۶۲.

انگلیسی:

- ACLEDD. (2025). Conflict Watchlist. <https://acleddata.com/global-analysis/conflict-watchlist>
- Asia-Europe Foundation. (2024). How do we navigate cultural diplomacy? ASEF LinkUp Report. https://culture360.asef.org/media/download/ASEFLinkUp_2024_Report-050824.pdf.
- British Council. (2024). Cultural relations, multilateralism and sustainable development. <https://www.britishcouncil.org/research-insight/cultural-relations-multilateralism>.
- Bjola, C., & Manor, I. (Eds.). (2024). *The Oxford Handbook of Digital Diplomacy*. Oxford University Press .
- Canadian Center for Cultural Diplomacy. (2025). Digital soft power and cultural diplomacy in the age of algorithms [Report of international forum]. Munk School of Global Affairs

- & Public Policy, University of Toronto. <https://cccd.ca/digital-soft-power-and-cultural-diplomacy-in-the-age-of-algorithms>.
- Cull, N. J. (2021). From Soft Power to Reputational Security: Rethinking Public Diplomacy and Cultural Diplomacy for a Dangerous Age. *Place Branding and Public Diplomacy*, 18(1), 18–21. <https://doi.org/10.1057/s41254-021-00236-0>
- Council on Foreign Relations. (2025). Preventive Priorities Survey 2025. https://cdn.cfr.org/sites/default/files/report_pdf/Preventive%20Priorities%20Survey%202025.pdf.
- Coombs, W. T. (2019). *Ongoing crisis communication: Planning, managing, and responding* (5th ed.). SAGE.
- Holoborodko, O. (2025). The Role of Citizens and Civil Society Organizations in the Development of Citizen Cultural Diplomacy. *International Relations*, 4(8). <https://doi.org/10.70651/3041-2498/2025.4.14>.
- Gibson, Jenna., & Istad, Felicia. (2025). Toward a political model of soft power: An empirical analysis of Asian cases. *Asian Survey*, 65(3), 459–482. <https://doi.org/10.1525/as.2025.2470882>.
- Gierat-Bierón, B. (2023). Cultural Diplomacy as a Tool of the External Relations Between the EU and the USA. *Rocznik Integracji Europejskiej*, 17, 87–101. <http://dx.doi.org/10.14746/rie.2023.17.5>.
- Grincheva, N. (2021). Cultural diplomacy under the “digital lockdown”: pandemic challenges and opportunities in museum diplomacy. *Place Branding and Public Diplomacy*, 18(1), 8–11. <https://doi.org/10.1057/s41254-021-00237-z>.
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). *The discovery of grounded theory*. Aldine.
- Guzman, C. (2024). How Thailand is redefining 'soft power'. *TIME*. <https://time.com/7203306/thailand-government-soft-power-moo-deng-lisa-economy/>.
- Islamic Culture and Relations Organization. (2023). Annual Report 1402. <https://en.icro.ir/>
- Institute for Economics & Peace. (2025). Global Peace Index 2025. <https://www.visionofhumanity.org/wp-content/uploads/2025/06/Global-Peace-Index-2025-web.pdf>.
- Lee, L. J. (2025). More-than-human soft power: Exploring futures in public diplomacy. USC Center on Public Diplomacy. <https://uscpublicdiplomacy.org/blog/more-human-soft-power-exploring-futures-public-diplomacy>.
- Lakshmi, R. S. (2024). The evolution of India's soft power diplomacy: A case study of the Indian Foreign Service. *International Research Journal of Humanities and Interdisciplinary Studies*, 5(12), 39–45. <https://irjhis.com/paper/IRJHIS2412005.pdf>.
- Lixinski, L., & Zhu, Y. (Eds.). (2024). *Heritage, Conflict, and Peace-Building*. Routledge
- MacDonald, S., & Murray, A. (2024). *Soft power at a turning point: A comparative analysis*. British Council. <https://doi.org/10.57884/0f7h-yd62>.
- Melissen, J. (2005). *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations*. New York: Palgrave Macmillan.
- Nye, Jr., Joseph S. (2005) 2005. *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. PublicAffairs Books. <http://www.publicaffairsbooks.com/publicaffairsbooks-cgi-bin/display?book=1586482254>.
- OpenSecrets. (2024). FARA country data: Iran — 2024 Government Spending. <https://www.opensecrets.org/fara/countries/55>.

- Peace Research Institute Oslo. (2025). Conflict Trends: A Global Overview, 1946–2024. https://static.poder360.com.br/2025/06/relatorio-prio-conflict-trends-divulgado-em-junho-de_2025.pdf.
- Saunders, B., Sim, J., Kingstone, T., Baker, S., Waterfield, J., Bartlam, B., Burroughs, H., & Jinks, C. (2018). Saturation in qualitative research: exploring its conceptualization and operationalization. *Quality & quantity*, 52(4), 1893–1907. <https://doi.org/10.1007/s11135-017-0574-8>.
- Schneider, C.P. (2023). Building peace and citizenship through cultural and public diplomacy. *Journal of Communication Management*, 27(2), 293–308. <https://doi.org/10.1108/JCOM-01-2023-0011>.
- Snow, N., & Cull, N. J. (Eds.). (2020). *Routledge Handbook of Public Diplomacy* (2nd ed.). Routledge.
- UNESCO. (2025). *Global Report on Cultural Policies*. <https://www.unesco.org/en/culture/global-report>.
- U.S. Agency for Global Media. (2024). *Annual Financial Report for Fiscal Year 2024*. Retrieved from https://www.usagm.gov/wp-content/uploads/2024/11/FY-2024-AFR_USAGM.pdf
- U.S. Congress. (2025). *Intelligence Authorization Act for Fiscal Year 2026 (S.2342) — Full Text*. <https://www.congress.gov/bill/119th-congress/senate-bill/2342/text>
- Ventura, S. (2025). War and Its Imagery: The Visual Narrative of the Ukrainian State’s Instagram Account Ukraine.Ua as a Tool of Digital Public Diplomacy. *International Journal of Strategic Communication*, 19(3), 379–403. <https://doi.org/10.1080/1553118X.2024.2395407>.
- Wintour, P. (2025). Why the financial crisis at the British Council matters as UK pushes soft power. *The Guardian*. <https://www.theguardian.com/politics/2025/jan/25/why-the-financial-crisis-at-the-british-council-matters-as-uk-pushes-soft-power>
- Wendt, A. (1999). *Social theory of international politics*. Cambridge University Press.
- Yin, R. K. (2018). *Case study research and applications: Design and methods* (6th ed.). SAGE.
- Zhao, A. H. (2021). China’s public diplomacy and Confucius Institute. In *Public diplomacy and the politics of uncertainty* (Chap. 8). Palgrave Macmillan.

